



فقہ اسلامی

هیچ بدهکاری به حقوق روم ندارد

ترجمہ

استقلال الفقہ الاسلامی عن القانون الرومانی

تالیف

الدسوقی السید الدسوقی عبد استاد یاز دانشکده فقہ کوفہ

ترجمہ

دکتر اکبر نایب زاده

عضو هیات علمی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد پاکستان



اشارات طه انتشارات طه

قزوین - خ خیام جنوبی، پاساژ خیام تلفن: ۲۲۲۶۰۵۳ - ۲۲۲۳۱۰۵

فقه اسلامی

هیچ بدهکاری به حقوق روم ندارد

ترجمه کتاب: استقلال الفقه الاسلامی عن القانون الرومانی

تالیف: الدسوقی السید الدسوقی عید استاد یار دانشکده فقه کوفه

چاپ اول: ۱۳۸۷ - قیراز: یکمزار نسخه

ترجمه: دکتر اکبر نایب زاده

عضو هیأت علمی - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاجکستان

ناشر: انتشارات طه - به سفارش معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاجکستان

قم: لیتوگرافی، سعیدی - چاپ و صحافی زیتون

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۰۸-۳۶-۲ ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۰۸-۳۶-۲ ISBN :

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

فهرست عناوین

صفحه	عنوان
۴	مقدمه
۱۱	شبهات مستشرقین درباره فقه اسلامی
۱۵	خلاصه ادله شبهات مستشرقین
۱۷	رد شبهات مستشرقین
۱۷	رد شبهه اول
۱۷	تولد رسول اکرم (ص)
۱۸	مسافرت‌های پیامبر (ص)
۲۰	پیامبر (ص) اقی بود
۲۱	امروز هم مانند دیروز
۲۳	«رد شبهه دوم»
۲۳	منابع فقه اسلام
۲۴	شرایط اجتهاد و مجتهد
۲۵	وقایع تاریخی
۲۵	مدرسه روم
۲۶	مدرسه بیروت
۲۷	امام اوزاعی
۲۷	مذهب اوزاعی
۲۸	زندگی امام شافعی
۲۸	فقه اسلامی و دادگاههای روم
۲۸	نظام قضایی اسلام
۳۲	تکوفایی فقه اسلامی
۳۳	رد شبهه سوم
۳۸	رد شبهه چهارم
۳۹	مسافرت عربها برای تجارت
۴۲	رد شبهه پنجم
۴۵	اصطلاحات حقوق روم و فقه اسلامی
۴۸	مقایسه میان فقه اسلامی و حقوق روم
۵۰	فقه امام حنبل
۵۱	ازدواج
۵۴	پدرسالاری
۵۵	فرارداها
۵۶	جرایم و مجازات
۵۸	ارث
۶۱	خلاصه رد شبهه پنجم
۶۲	خاتمه
۶۶	پی نوشت و تعلیقات
۱۰۰	منابع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و الصوه و السلام على سيدنا محمد و آله
الطاهرين

فتوحات اسلام در شمال و مغرب شبه جزيره عربستان، به ویژه تلاقی و تماس مسلمين در «شام» و «اردن» و «لبنان» با حقوق روم سبب شده که عده‌ای از خاورشناسان گمان کنند که فقه اسلامی متأثر از حقوق روم است.^۱ البته فقها و حقوقدانان مسلمان از این شبّهات، پاسخ داده‌اند. لکن بحث خاتمه نیافته و تا به امروز ادامه دارد. از جمله خاورشناسان که معتقد بودند فقه اسلامی از حقوق روم متأثر است، مستشرق ایتالیایی «دو مینکوگاتسگی» (Dominico Gatteschi)^۲ و مستشرق مجارستانی «گلدزیهر» (Goldziher)^۳ است و برخی از آنان پا را فراتر گذاشته و گفته اند که فقه اسلامی در اصل همان حقوق روم است که به عربی ترجمه شده است.^۴ این اظهارات یا ناشی از بی اطلاعی از فقه و مبانی حقوق اسلامی است و یا ناشی از دشمنی است. به هر حال دانشمندان اسلامی به خصوص در مصر و برخی دیگر از کشورهای عربی این شبّهات را مطرح و به طور مفصل و قاطع از آن پاسخ داده‌اند. از جمله استادانی که شبّهات مستشرقین را رد کرده اند دکتر «علی بدوی» در مجله قانون و اقتصاد (سال اول شماره ۵ مورخ ۱۹۳۱ میلادی صفحه ۷۳۳ به بعد) همچنین اساتید دیگر: دکتر «شفیق شحاته»^۵ و، دکتر «عبدالرزاق سنهوری»^۶، دکتر «احمد حشمت»^۷، «ابوستیت»^۸، و دکتر «محمدیوسف موسی»^۹ دکتر «صبیحی محمصانی»^{۱۰}

۱- کلمه روم در زبان عربی و ترکی بُر و با واو و در فارسی امروزی بدون واو نوشته می‌شود. مترجمان تاریخ و جغرافیا در جلد سوم آن که قیصر و مسیح نام دارد روم را با واو نوشته اند لذا این جانب نیز آن را با واو نوشتم.

۲- به شماره ۱۱ پاورقی در آخر کتاب مراجعه کنید.

۳- به شماره ۱۳ پاورقی در آخر کتاب مراجعه کنید.

۴- به صفحه ۱۲ کتاب رجوع شود.

۵- به پاورقی شماره ۱۸۹ مراجعه کنید.

۶- در پاورقی شماره ۱۸۴ مراجعه شود.

۷- المدخل لدراسة الفقه الاسلامی دکتر محمد یوسف موسی چاپ دوم ۱۳۸۰ دارالفکر ابوی صفحه ۹۷ به بعد

۸- فلسفه قانونگذاری در اسلام ترجمه گلستانی چاپ امیر کبیر تهران ۱۳۴۶ صفحه ۱۲۶ به بعد

و، «محمد فخرالقاضی» و «محمد صدر» و «عبدالله مراغی»^۱ است. این بحث در کتاب های فارسی زیاد مطرح نشده است گذشته از چندین مقاله فقط مرحوم «علی پاشا صالح» آن را به طور مختصر در کتاب با ارزش «سرگذشت قانون و مباحثی از تاریخ حقوق»^{۱۰} و «مرتضی راوندی» در کتاب «سیر قانون و دادگستری در ایران»^{۱۱} و اخیراً آقای «مصطفی میر احمدی زاده» در کتابچه «رابطه فقه و حقوق»^{۱۲} به طور خیلی خلاصه به آن اشاره کرده اند و حق مطلب نیز آن چنانکه شاید و باید ادا نشده است. یکی از اساتید دانشکده فقه شهر «کوفه» جمهوری عراق، مقاله ای را به عنوان «موقف المستشرقین من التراث العربی الاسلامی» به سمیناری که در ۱۵ و ۱۶ آوریل ۱۹۸۶ در دانشکده مزبور تشکیل شده، تقدیم داشته که سپس همان مقاله با مختصر بسطی به صورت کتاب به نام «استقلال الفقه الاسلامی عن القانون الروماني» در تاریخ ۱۴۱۰ هجری قمری به چاپ رسیده است. حقیر این کتاب را در کتابخانه آستان قدس رضوی، دیدم و چون فکر می کردم که در نوشته های فارسی به صورت کتاب مستقل جای آن خالی است، لذا مبادرت به ترجمه و تحشیه آن نمودم - باشد که مورد استفاده دانشجویان فقه حقوق قرار بگیرد و چون این بحث شامل حمایت از شریعت و صاحب شریعت صلوات الله علیهم است، امید اجر معنوی نیز دارم و ماتوفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب.

اکبر- نایب زاده
قزوین

^۹ - سه نفر اخیر به نقل از آقای مصطفی میراحمدی زاده در کتاب رابطه فقه و حقوق چاپ اول ۱۳۸۰ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه صفحه ۱۶۰ به بعد.

^{۱۰} - سرگذشت قانون ... چاپ دوم دانشگاه تهران صفحه ۴۲۵ به بعد.

^{۱۱} - سیر قانون و دادگستری در ایران چاپ اول تهران ۱۳۶۸ صفحه ۵۸ به بعد.

^{۱۲} - رابطه فقه و حقوق از انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم ۱۳۸۰ صفحه ۱۶۰ به بعد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله
الطاهرين

لازم به ذکر است که دشمنان اسلام زيادند . دشمنان با کثرتشان در
آشکار و پنهان می‌خواهند حقیقت را در دل باور کنندگانش متزلزل
کرده و سیمای حق را زشت نشان دهند .

لکن هیئات هیئات باورکنندگان حقیقت و ملتزمین راه نور و سعادت
پیروزند دشمنان نمی‌توانند از قدرت آنان بکاهند و حيله کنندگان قادر
نیستند در ایمان و اعتقاد آنان خدشه وارد کنند و خدا فرموده است :

و یأبی الله الا ان یتیم نوره و لو کره الکافرون (سوره توبه / ۳۲)
ابا دارد خدا مگر آن که تمام کند نور خود را ، اگر چه کافران کراهت
دارند . دین اسلام که پیام آور خیر و هدایت بشری است ، همچنین
رسول گرامی اسلام که پیامبر رحمت است و اتباع آن بزرگوار ،
پیوسته از سوی دشمنان، هدف انواع و اقسام عداوت و اذیت و حيله و
دسیسه‌های گوناگون بودند و هستند . خداوند متعال صحیح فرموده
است انجا که می‌فرماید : و کذلک جعلنا لکل نبی عدواً شیاطین الانس
و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غروراً ... (سوره
الانعام / ۱۱۲)

یعنی همچنین بر هر پیغمبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار
دادیم که برخی بر برخی دیگر گفتارهای باطل را برای فریب دادن
می‌رسانند .

در ابتداء بر شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تهمت‌ها
زدند و گفتند که ساحر است، شاعر است ، دیوانه است . البته خودشان
می‌دانستند که محمد (ص) از این تهمت‌ها مبرا است آن حضرت قبل
از بعثت ، به اعتراف خودشان مظهر راستی و راستگویی و رمز
امانتداری بود حتی خودشان به آن حضرت لقب «صادق امین» داده
بودند .

پس از آن که پیامبر گرامی به مدینه مهاجرت کردند ، آن بزرگوار و
مسلمانان هیچگاه از حيله یهودیان و دسیسه منافقان در امان نبودند .
آنچه جای تعجب است ، گرچه هیچ جنایتی از یهودیان عجیب نیست ،
دشمنی ایشان به مخالفت و ضدیت بااسلام و ایجاد تردید در رسالت

پیامبر (ص) محدود نمی شد ، بلکه قصد جان پیامبر را داشتند و می خواستند پیامبر را بکشند و با کشتن آن حضرت به دین اسلام نیز خاتمه دهند .

به طوری که کتابهای تاریخی گویاست ، یهودیها یک بار با خوراندن سمّ به آن حضرت و دوستانش می خواستند او را بکشند (۱) و بار دیگر موقعی که حضرت به دیواری تکیه داشت می خواستند سنگ بزرگی از پشت بام بر سر آن حضرت انداخته و آنحضرت را بکشند. (۲)

ولی ناتوان از این کار بودند . زیرا خدا نه خواب بوده و نه غافل . خدا حفظ جان پیامبرش را ضمانت کرده بود . آنجا که می فرماید:

انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون (سوره حجر/۹) ما قرآن را فرستادیم و ما نگهدارنده آن هستیم همچنین فرمود : و الله يعصمک من الناس (سوره مانده /۶۷) خدا ترا از شر مردم حفظ می کند . و چون خدا خود حفظ شریعت اسلام را عهده دار شده است لذا تغییر و تبدیل در این دین راه ندارد و این شریعت تا آخر الزمان از هر عیب و نقصی مصون و محفوظ خواهد ماند . لذا کوشش دشمنان در مبارزه با اسلام تا کنون بی نتیجه مانده و بی نتیجه خواهد ماند .

و ردّ الله الذین کفروا بغیظیهم لم ینالوا خیرا (سوره الاحزاب / ۲۵۰) خدا خشم (عداوت) کفار را به خودشان برگردانده و آنان به خیری نخواهند رسید .

لذا می بینیم به قدرت خدا بره بریان شده مسموم به زبان آمده و می گوید : یا رسول الله مرا سمی کرده اند از من نخور .

کتاب های سیره حکایت می کنند که در جنگ خیبر زنی به نام زینب بنت حارث (یا حرث) یهودی گوشت مسمومی را به پیامبر هدیه کرد ، وقتی پیامبر خواست لقمه ای از آن بخورد ، نتوانست لقمه را فرو ببرد . لقمه را بیرون انداخته و فرمود : این استخوان به من می گوید که به آن سمّ زده اند (۱) . در جای دیگر جبرئیل امین از سوی خدا نازل و به پیامبر از نقشه یهودیان که قصد قتل آن حضرت را داشتند ، خبر می دهد و فوراً آن حضرت از دیواری که تکیه کرده بود بدون این که صدمه ای بوی برسد دور می شود. (۲)

پس از وفات رسول گرامی نیز یهودیان از عداوتشان نسبت به اسلام

و مسلمین دست بردار نبودند . و پیوسته کمر بر عداوت دین خدا بسته بودند و به دنبال فرصت می گشتند که خللی به دین اسلام وارد کنند . یا از قوت آن بکاهند . یا در اصالت آن ایجاد شک و شبهه نمایند . سخن خدا درباره آنها صحیح است که فرمود : لتجدن اشد الناس عداوةً للذین آمنوا اليهود و الذین اشرکوا ... (شوره مانده / ۸۲)

ای پیامبر ! دشمنترین مردم نسبت به اسلام و مسلمین خواهی دید که یهودیان و مشرکین هستند . قرن‌ها درگیری و نزاع دشمنان اسلام با مسلمین ادامه داشت و این بار در جنگ‌های صلیبی (۳) حمله به صورت حمله مسلحانه با هدف از بین بردن اسلام و محو آن از روی زمین ، آغاز شد ولی باز نتیجه نگرفته کور و پشیمان برگشتند . پس از لشکرکشی‌های مکرر علیه اسلام و مسلمین که گاهی پیروز و اکثراً شکست می خوردند ، دشمنان دین به این نتیجه رسیدند که جنگ مسلحانه علیه مسلمانان بی فایده است . لذا به جای جنگ تن به تن به جنگ روانی و تخریب افکار مسلمین پرداختند .

مستشرقین یا به اصطلاح، خاورشناسان از جمله کسانی هستند که برای جنگ با اسلام و مسلمین آماده و تجهیز شده اند . در هر مساله ای از مسائل اسلام بحث‌های عریض و طویلی دارند و تهمت‌ها و افتراهای زیادی به اسلام و مسلمانان می زنند . علت این دشمنی و تهمت‌ها یکی از این دو امر یا ممکن است هر دو باشد . (۴)

۱- یا دین اسلام و زبان اسلام و قرآن و احادیث رسول اکرم (ص) و گفتارهای دینی (فقهی) که همه و همه به زبان عربی است مستشرقین نمی توانند آن را بفهمند از اسلوب و اسرار و تنوع تعبیر این زبان نیز آگاه نیستند و از روی جهل اظهار عقیده می کنند .

۲- یا این که می فهمند ولی چون سوء نیت دارند و می خواهند نقاط ضعف را پیدا بکنند و به خیال خود که قرآن کلام بشری است و پیامبر (نعوذ بالله) از سوی خدا نبوده به زعم خود آنها را دستاویز کرده به اسلام حمله کنند .

علمای غرب کتابهای دینی، ما را می خوانند و مطالعه می کنند ولی نه برای فهمیدن و یافتن حقیقت بلکه برای این که می خواهند بهانه ای پیدا کرده و ایراد بگیرند . علتش این است که از ابتداء نسبت به اسلام و قرآن و پیامبر عظیم الشان اسلام و رجال و تاریخ اسلام دشمن و

بدبین هستند و با مطالعه کتابهای ما بدنبال آن هستند که مطلب منفی یا نقطه ضعفی پیدا کنند . اگر نقطه ضعف پیدا نکردند (که نیست) ایجاد شبهه می کنند و از اقوال ضعیف و روایات کذب و مجهول مطالبی به هم می بافند و یک سوژه ای که بتوانند به اسلام و مسلمین ایراد بگیرند درست می کنند . و خردمندان گفته اند دوست داشتن مفرط آدمی را کور و تعصب انسان را از فهم و درک حقیقت باز می دارد . لذا برای هر کس که غیرت دینی دارد و بر میراث فرهنگ اسلامی علاقمند است ، لازم است که نسبت به تخصص خود پاسخ مستشرقین را داده و شبهات آنان را رد کند .

امروز این بحث بدلائل متعدّد حائز اهمیت است . از جمله این که برخی از مستشرقین پاره ای از موضوعات اسلامی و ادبیات دینی و تمدن اسلامی را به زبان خود ترجمه کرده و یا در آن موضوعات کتاب و یا مقاله نوشته اند ، برخی مطالب را غلط نوشته و دانسته یا ندانسته سخنان نادرستی را به اسلام نسبت داده اند لذا بر دانشمندان اسلامی فرض است که این گونه غلط ها را اصلاح کرده و نتایجی را که مستشرقین گرفته اند نقد نموده رد یا قبول کنند .

از جمله اهداف این بحث ها راهنمایی و توجیه مولفین و دانشمندان جوان است که سخنان بی اساس مستشرقین در آنان اثر کرده و نتیجه ای که آنان گرفته اند از قبیل تردید در ایمان و انکار نبوت و دروغهای تاریخی را باور کرده و بامستشرقین در پراکندن مطالب دروغین همکاری کرده اند .

البته به مطالب صحیح و درستی که در گفتار برخی از مستشرقین آمده ارزش قائل هستیم همچنین به عقیده دانشمندانی که هوی و هوس را زیر پا گذاشته و تعصب را از خود دور کرده و به حقیقت اعتراف کرده اند ، ارج می نهیم . (۵)

چون نویسنده این مقاله (۶) دروس فقهی حقوقی را در دانشگاه تدریس می کند ، لذا موضوعی را برای نوشتن در این رساله انتخاب کرده که پیوسته از سوی مستشرقین مورد بحث و گفتگوست و آن ارتباط فقه اسلام با حقوق روم است .

این جانب ادعا ندارم که در این موضوع نخستین کسی هستم که مطلب می نویسم . نه خیر ! جلوتر از من اساتید بزرگواری در این باره

کتاب و مقاله نوشته اند . (۷) . با این همه امیدوارم که این حقیر نیز با آنان در ردّ شبهات و افتخار حمایت از دین شریک باشم .
و امیدوارم این نوشته برای نویسنده و خواننده آن سودی داشته و از خداوند کریم هدایت و یاری را مسألت دارم و توفیق و ارشاد را از درگاه باری با عظمت آرزومندم .